

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری مباحث گذشته

بحث در این بود که تعریف شبهه‌ی غیرمحصوره چیست و چه ضابطی برای تمییز شبهه غیرمحصوره از شبهه محصوره وجود دارد؟ آن ضابطی را که مرحوم محقق نائینی اعلی الله مقامه الشریف بیان کردند که فرمودند شبهه غیرمحصوره آنست که اولاً در او کثرت الأطراف باشد و ثانیاً این کثرت الأطراف به حدّی باشد که مکلف تمکّن از جمع اطراف نداشته باشد، این را ملاحظه فرمودید که اشکالات متعدّدی بر آن وارد شد، برخی از اشکالات را جواب دادیم و برخی از اشکالات را پذیرفتیم.

اشکالی دیگر بر نظریه محقق نائینی

اشکال دیگری نیز بر نظریه محقق نائینی وارد شده است به این بیان که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه اظهار میدارد که فرض کلام ما در جایی است همه‌ی اطراف در معرض ابتلاست و امکان ابتلا به کلّ واحد من الأطراف وجود دارد و الا اگر بعضی از اطراف از محلّ ابتلا خارج بشود این داخل در تنبیه قبلی می‌شود که بحثش را مفصل گذرانیم، حالا که مفروض این است که مثلاً هزار ظرف اینجا وجود دارد و امکان ابتلا برای مکلف نسبت به تمام این ظروف وجود دارد، ببینیم چه چیزی متعلّق تکلیف است؟ شما (مرحوم نائینی) آمدید عنوانی را مطرح کردید که این عنوان متعلّق برای تکلیف نیست، در اینجا که ابتلاء به تمام الأطراف است تکلیف فعلیّت دارد، خطاب لغو نیست و علّتش این است که این مسئله‌ی جمع اطراف متعلّق برای تکلیف نیست. چون مرحوم نائینی در قید دوّمی که در ضابطه‌ی شبهه‌ی غیرمحصوره بیان کرد می‌فرماید کثرت الأطراف به حدّی برسد که عادتاً جمع این اطراف و استعمال آن امکان نداشته باشد.

ایشان می‌فرمایند اینکه متعلّق برای تکلیف نیست! ما اینجا علم اجمالی داریم يك ظرف از این هزار ظرف نجس است، آنچه که متعلّق برای تکلیف است اجتناب از همان نجس واقعی است، اما اینکه می‌گوئیم باید از همه‌ی اطراف اجتناب کرد، اینکه متعلّق تکلیف نیست بلکه حکمی است که عقل در اینجا بیان می‌کند، عقل می‌گوید اگر تکلیف مولا در ضمن يك اطراف باشد که امکان ابتلا به جمیع این اطراف هست باید از همه‌ی اینها اجتناب کنیم. پس آنچه که عادتاً غیرمقدور است که جمع بین این اطراف است اینکه متعلّق برای تکلیف نیست، تکلیف شارع در اینجا فعلیّت دارد و به قوّت خودش باقی است، لذا می‌فرمایند اینکه مرحوم نائینی ضابطه را همین بیان کرده و از همین قید نتیجه گرفته است عدم حرمت مخالفت قطعیه و به تبع آن، عدم وجوب موافقت قطعیه، می‌فرمایند این حرف درستی نیست، اگر ما بگوئیم در شبهه‌ی غیرمحصوره جمع تمام این اطراف در مقام استعمال این متعلّق تکلیف مولاست، می‌گوئیم این متعلّق خارج عن القدرة، قدرت بر او نداریم. وقتی قدرت نداشتیم مخالفت قطعیه حرام نیست، اگر مخالفت قطعیه حرام نباشد موافقت قطعیه هم واجب نیست، این اشکال آخری است که امام رضوان الله علیه کردند که فکر می‌کنم با آن اشکالات قبلی اشکال پنج یا ششم بشود.

پاسخ اشكال: نسبت به این اشكال امام هم مي‌توانيم ملاحظه‌اي داشته باشيم، ملاحظه و مناقشه این استكه قبول داريم جمع بين اطراف يك حكم عقلي است، عقل مي‌گويد اگر علم اجمالي داری يکي از این سه ظرف نجس است، بايد از همه‌اش اجتناب کني تا تکليف واقعي مولا را امتثال کني ولي اينكه شما مي‌فرماييد آنچه كه متعلق تکليف است آن تکليف اجتناب از نجاستي است كه در اينجا واقع شده ولي جمع بين این اطراف متعلق براي تکليف نيست! و این يك حكم عقل است، سؤال این است كه این حكم عقل را چه چيز براي ما درست كرد؟ این حكم عقل را همان تکليف اجتناب عن النجس براي ما درست کرده و به عبارت اُخري این يك حكم عقلي مستقل از تکليف شارع نيست!

اگر این حكم عقلي مستقل از تکليف شارع بود این فرمايش شما متين بود، مي‌گفتيم حكم عقلي است و ربطی به متعلق تکليف ندارد بلکه این حكم عقلي منتزع يا متولد - حالا این اصطلاح را در اینجا به کار ببريم - از همان اجتناب عن النجس است، يعني اگر او نبود این هم موجود نمي‌شد، پس بين این دو تا ارتباط است، نمي‌توانيم بگوئيم این متعلق هست و او متعلق نيست! بگوئيم آن نجاست واقعي كه در اينجاست متعلق تکليف هست اما جمع بين الأطراف متعلق براي تکليف نيست، لذا این ملاحظه و این مناقشه هم نسبت به این فرمايش ايشان وارد است، نتيجه این مي‌شود كه اشكال مهمي كه بر این ضابطه ي مرحوم نائيني وارد است همان اشكالي است كه مرحوم عراقي كرد و به بيان ديگر خود امام رضوان الله تعالي عليه فرمودند، آن اشكال به قوت خودش باقي مي‌ماند و این ضابطه‌ي مرحوم نائيني به خاطر آن اشكال قابل قبول نيست!

نظر مرحوم ايرواني

مرحوم محقق ايرواني در كتاب الاصول في علم الاصول كه حاشيه كفايه‌ي ايشان است مي‌فرمايند ما براي عنوان غيرمحصور اصلاً ارزشي قائل نيستيم و اگر مي‌گوئيم در شبهات غيرمحصوره اجتناب و احتياط واجب نيست، به خاطر همين عنوان غيرمحصور نيست بلکه اگر يکي از عناوين ثانويه عسر، حرج، ضرر و خروج از محل ابتلا باشد مي‌گوئيم احتياط واجب نيست! اما اگر يکي از این عناوين اربعه نباشد، صرف اينكه شبهه غير محصوره است، اطرافش خيلي زياد است، این موضوع براي عدم وجوب احتياط نيست! هر جا ديديم يك شبهه‌اي اطرافش به حدّي است كه اگر بخواهيم از این احتياط كنيم ضرر مي‌كنيم، فرض كنيد يك بازاری صد تا ظرف روغن دارد، علم اجمالي دارد كه يکي از اینها نجس است، روغن حيواني بسيار گران قيمتي است، اگر بخواهد همه اینها را دور بريزد مستلزم ضرر است، اجتناب عن الجميع مستلزم این است كه این ضرر فاحشي كند! يا اگر مستلزم حرج باشد، انسان به مشقت بيفتد، این عنوان دوم. يا اگر مشكل باشد، حالا عسر و حرج خيلي نزديك به هم هستند، بعضي‌ها حرج را عسر شديد قرار دادند و الا يکي از ادله‌ي لا حرج همين آيه‌ي شريفه «**يُرِيدُ اللَّهُ بَكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بَكُمُ الْعُسْرَ**» است. يا اگر اطراف شبهه اينقدر زياد است كه بعضي‌هايش از معرضيت ابتلا خارج است، من مي‌گويم يکي از لبنيات‌هاي این شهر شير نجس مي‌فروشد و مي‌دانم تا آخر عمرم اصلاً گذرم به نيمي از شهر نمي‌افتد و نمي‌روم تا بخواهم خريد كنم، از محلّ ابتلا خارج است. مرحوم ايرواني مي‌فرمايد بعضي‌ها اينطور گفتند كه اصلاً خود عنوان غيرمحصوره يك عنوان بالإصالة‌اي نيست، خودش موضوعيتي ندارد، اگر در شبهه‌اي كه اطرافش زياد است، يکي از این عناوين اربعه موجود شد اینجا احتياط واجب نيست! بعد خود ايشان مي‌فرمايد این حرف باطل است؛

مي‌فرمايد «**وَالْحَقُّ أَنَّ نَفْسَ عُنْوَانِ عَدَمِ حَصْرِ الشَّبْهَةِ رَافِعٌ لِلْحُكْمِ عَنِ الْفَعْلِيَّةِ**» به نظر ما خود محصور نبودن سبب مي‌شود كه فعليت حكم از بين برود، فعليت تکليف از بين برود. در توضيح مطلب مي‌فرمايند اگر يك احتمالي پنج طرف داشته باشد به اندازه همين پنج طرف تقسيم مي‌شود، این احتمال بين الأطراف انتشار پيدا مي‌كند، اما اگر اينقدر اطراف زياد شود كه مثلاً صد تا ظرف است مي‌گوئيم چند درصد احتمال مي‌دهيد كه این ظرف نجس باشد؟ مي‌گوئيم يك صدم! اگر هزار تا ظرف باشد مي‌گوئيم چند درصد احتمال مي‌دهيد كه این نجس باشد، مي‌گوئيم يك هزارم! مي‌فرمايد اگر احتمال تکليف در يك طرف به حدّي برسد كه

عقل آنجا محرکیت را قبول نمی‌کند، گاهی تعبیر به عقل دارند و گاهی تعبیر به عقلا دارند، می‌فرمایند اگر احتمال به حدی برسد که «لا یكون محرکاً لدي العقلاء إلی الاجتناب» عقلا می‌گویند اینجا لازم نیست اجتناب کنی، مثال می‌زند می‌گوید اگر یک کسی علم اجمالی داشته باشد که در یکی از این غذاهایی که در بغداد وجود دارد سم وجود دارد، اگر بیاید از تمام غذاهای بغداد اجتناب کند مجنون است، می‌گوید در این شهر به این بزرگی علم اجمالی دارم در یکی از این غذاها سم وجود دارد، پس از همه اجتناب کنم! این عد من المجانین، چرا؟ چون این احتمال محرکیت عقلی و عقلایی ندارد. و می‌فرمایند اساساً قاعده‌ی کلی همین است که در تکلیف، تکلیفی فعلیت دارد که عقلاً محرک باشد، داعی باشد، اما اگر یک تکلیفی محرک نباشد اینجا به مرحله‌ی فعلیت نمی‌رسد. در دوران بین محذورین که می‌گوییم این یا واجب است یا حرام؟ ایشان می‌گویند این تکلیف اینجا نه احتمال وجوب محرکیت دارد و نه احتمال حرمت، لذا آنجا تخییر است.

بعد در اینجا یک اشکالی را ایشان مطرح می‌کنند که اگر در ذهن شریفتان باشد آن اشکالی بود که مرحوم آقای خوئی به ضابطه‌ای که شیخ انصاری بیان کرد وارد کردند؛ مرحوم ایروانی می‌گوید اگر یک کسی به ما بگوید جناب ایروانی پس هر جا احتمال یک تکلیفی آنقدر ضعیف باشد که از نظر عقلایی محرک نیست، شما آنجا می‌گوئید که آن احتمال کالعدم است؟ می‌گوئیم بله، آن وقت مستشکل می‌گوید پس در شبهه‌ی محصوره هم این حرف را بزنیم! اگر یکی از این دو ظرف را علم اجمالی داریم که نجس است، اما احتمال اینکه این ظرف نجس باشد دو درصد است و احتمال اینکه آن ظرف نجس باشد 98 درصد است، اینجا هم شما ملتزم می‌شوید به اینکه چون احتمال اینکه این ظرف نجس است خیلی ضعیف است و عقلاً محرک نیست، پس بگوئیم نسبت به این ظرف وجوب اجتناب در کار نیست.

مرحوم ایروانی می‌فرماید ما ملتزم به این نظر می‌شویم، و برخلاف آنچه فقها و اصولیین در شبهه محصوره می‌گویند احتیاط واجب است مطلقاً، فرق نمی‌کند این طرف سی درصد و طرف دیگر هفتاد درصد، ایشان می‌فرمایند ما این حرف را قبول نداریم! اگر در شبهه‌ی محصوره در یک طرف احتمال تکلیف آنقدر ضعیف باشد که محرکیت عقلایی نداشته باشد، اینجا اجتناب واجب نیست، دلیلشان چیست؟ ایشان می‌فرمایند اگر در یک طرف احتمال به حدی ضعیف باشد لازمه‌اش این است که آن طرف مقابل به حد اطمینان رسیده باشد، یعنی اینکه بگوئیم 98 درصد نجس است یعنی اطمینان داریم این نجس است، وقتی اطمینان داریم دیگر طرف مقابل اعتباری ندارد، چون خود اطمینان حجیت دارد.

پس ببینید این ضابطه‌ای که ایروانی ذکر کرد با ضابطه‌ای که شیخ بیان کرده به نظر ما فرقی ندارد، شیخ هم فرمود احتمال التکلیف موهوناً، خیلی ضعیف شود! منتهی دیگر شیخ این مقدار جلو نیامده بود که به پذیرش این لازم هم تصریح کند، مرحوم ایروانی تصریح کرده، باز نظیر همین مطلب را امام رضوان الله تعالی علیه دارد که می‌فرماید ضابطه‌ی شبهه‌ی غیرمحصوره این است که اگر اطراف شبهه به حدی باشد که نسبت به هر طرفی عقلاً به احتمال تکلیف اعتنا نکنند و بعد می‌گویند این را ما از استادمان مرحوم محقق حائری داریم. نظر ایشان هم همین است که ملاک در غیر محصوره بودن این است که عقلاً به این احتمال اعتنا نکنند! ضابط در شبهه غیرمحصوره این است «أنَّ الكثرة تكون بمثابة لا يعتني العقلاء بإحتمال كون الواقع في بعض الأطراف في مقابل البقية لضعف الإحتمال الحاصل لأجل الكثرة» احتمالی که به خاطر کثرت در اینجا در هر طرفی وجود دارد این احتمال، احتمال ضعیفی است.

نتیجه گیری

پس کلام امام و کلام مرحوم محقق حائری (صاحب درر) و کلام مرحوم ایروانی (هر سه اینها) بازگشتش به همان کلامی است

که مرحوم شیخ انصاری اعلي الله مقامه الشریف فرموده‌اند که بگوئیم اگر کثرت به حدی باشد که احتمال تکلیف در هر طرفی ضعیف است، عقلاً به آن اعتنا نمی‌کنند، این ملاک برای شبهه‌ی غیرمحصوره است. اینجا باز برای اینکه تحقیق مطلب روشن شود که بالأخره حق با کدامیک از این اقوال است؟ با کدامیک از این ضابطه‌هاست، مجموعاً پنج یا شش ضابطه در اینجا ذکر کردیم. مثال مرحوم ایروانی این است که می‌فرمایند «لو كان الإنسان في بلدٍ» اگر انسان در بلدی باشد که ده هزار خانه در آن وجود دارد و بشنود که در یکی از این خانه‌ها آتش گرفته این اظهار ناراحتی و اضطراب کند و بگوید شاید آن خانه خانه‌ی من باشد! «لَعْدٌ عِنْدَ الْعَقْلِ ضَعِيفُ الْعَقْلِ» به این می‌گویند ضعیف العقل «و ليس ذلك إلا لكثرة الأطراف و ضعف الإحتمال» مرحوم آقای خوئی بعد از اینکه تمام ضابطه‌ها را کنار می‌زنند در آخر می‌فرمایند در میان این ضوابطی که بیان کردیم يك ضابطه روشن و خالی از اشکال وجود ندارد و لذا بحث را به شکل دیگری مطرح می‌کنند، بحث را می‌آورند روی اینکه آیا مخالفت قطعیّه و موافقت قطعیّه ممکن است یا ممکن نیست؟

حالا ما وقتی بخواهیم وارد حکم، یعنی البته خود ایشان هم قبل از اینکه به حکم برسند این مسئله را مطرح کردند، می‌فرمایند - عبارت ایشان در همان مصباح الاصول جلد دوم است - این ضابطه‌هایی که گفتیم هیچ کدام محصّلی ندارد و در نتیجه می‌فرمایند شبهه سه قسم است؛ يك شبهه‌ای است که هم در آن مخالفت قطعیّه ممکن است و هم موافقت قطعیّه، می‌فرمایند قطعاً در آن احتیاط واجب است. دو: شبهه‌ای است که نه مخالفت قطعی ممکن است نه موافقت قطعیّه، این هم می‌فرمایند یقیناً احتیاط در آن واجب نیست! مورد سوم دو صورت دارد، يك صورت این است که يك جایی که مخالفت قطعی ممکن نیست، اما موافقت قطعی ممکن است دوم عکس این صورت اول است، می‌فرمایند عمده این است که ما بیائیم این دو صورتی که مربوط به قسم سوم است که يك صورتش این است که بگوئیم مخالفت قطعی نمی‌شود، موافقت قطعی می‌شود، صورت دوم این است که بگوئیم مخالفت قطعی می‌شود موافقت قطعی نمی‌شود، این دو تا را بررسی کنیم.

می‌فرمایند آنجایی که مخالفت قطعی ممکن است ولي موافقت قطعی ممکن نیست، اینجا مسلّم علم اجمالی منجز است، یعنی به همین مقدار که ما يك کاری بکنیم که با شارع مخالفت قطعی نکنیم عقل ما را ملزم می‌کند به اینکه باید يك کاری کنیم که مخالفت قطعی نکنیم، ولو موافقت قطعی هم نمی‌توانیم بکنیم ولي حق مخالفت قطعیّه نداریم! علم اجمالی دارم یکی از این صد تا عمل بر من واجب است! اینجا موافقت قطعی ممکن نیست و همه را نمی‌توانم انجام بدهم اما مخالفت قطعی ممکن است، هیچ کدام را انجام ندهم! اینجا یکی که علم اجمالی دارم یکی از این صد عمل بر من واجب است، مخالفت قطعی ممکن به اینکه دست روی دست بگذارم هیچ کاری انجام ندهم ولي موافقت قطعی غیر ممکن عادتاً، نمی‌توانم این صد عمل را انجام بدهم، اینجا می‌فرمایند عقل می‌گوید به مقداری که امکان دارد باید به این علم اجمالی عمل کنی و آن این است که من مخالفت قطعی نکنم، يك عمل، دو عمل و هر مقداری می‌توانم انجام بدهم، این بحثی ندارد.

ولي آنکه بحث دارد عکس این صورت است یعنی آنجایی که مخالفت قطعی ممکن نیست، اما موافقت قطعی ممکن است، عکس صورت قبلی! ایشان می‌فرمایند استاد ما (مرحوم محقق نائینی) مبنایش این است که هر جا مخالفت قطعی ممکن نیست موافقت قطعی هم واجب نیست، ولي می‌فرمایند طبق همان مبنايي که قبلاً بحثش را مفصل گذرانیدیم که ملاک در منجزیت علم اجمالی چیست؟ ملاک این است که در تمام اطراف اصول عملیه جریان پیدا نکند و سپس تعارض کند و بعد از تعارض تساقط کند، می‌گوئیم علم اجمالی داریم یکی از این دو تا نجس است، في حدّفسه در این طرف اصالة الطهارة یا استصحاب طهارت، در آن طرف هم استصحاب طهارت جاری می‌شود، این دو اصل با هم تعارض و تساقط می‌کنند، ملاک این است. وقتی ملاک این شد ایشان می‌گوید دیگر فرقی نمی‌کند اگر گفتیم مخالفت قطعی هم ممکن نیست اما موافقت قطعی ممکن است مکلف باید موافقت قطعی خودش را انجام بدهد، ایشان تقریباً بعد از اینکه ضابطی را پیدا نمی‌کنند مسئله را از این راه می‌خواهند حل کنند، حالا این تکمیلی دارد که فردا ان شاء الله نظر خودمان را در این مسئله می‌گوئیم، باید ببینیم حکم شبهه غیرمحصوره چیست؟